



مقابله با اکتو تروریسم جهانی در پرتو دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست

سبحان طیبی^۱
سید عباس پورهاشمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۲۷

چکیده

دیپلماسی محیط‌زیست پدیده‌ای است که نهادینه کردن آن در جامعه جهانی، تدبیری بین‌المللی می‌طلبد، همانگونه که تاکنون اقدامات حقوقی گوناگون و گام‌های موثری در جهت صلح و امنیت بین‌المللی از جمله تصویب توافقات، معاهدات، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی برداشته شده است. در این راستا اقدامات موثر تابعان حقوق بین‌الملل در تقابل با مخاطرات زیست‌محیطی (اکوتوریسم) موسوم به «ضمانت‌های مشترک» پدیدارگشته و به نظر می‌رسد تحرکات منسجم‌تری نسبت به قبل در راه مبارزه با پدیده‌های نوظهور شکل گرفته است. این روند همگام با همکاری‌های مستمر بین‌المللی نتیجه بخش می‌باشد، اگرچه این یک حرکت لازم در سطح بین‌المللی تلقی شده، اما کافی به نظر نمی‌رسد و بایستی قاعده اقدام در این خصوص تا مرحله نهایی که همانا حذف مخاطرات جهانی زیست‌محیطی است، انجام پذیرد.

این پژوهش با هدف تبیین جایگاه دیپلماسی بین‌المللی به منظور مقابله با اکوتوریسم انجام شده است و با به‌کارگیری روش مطالعه تحلیلی در صدد بررسی وضعیت حقوقی موجود و نشان دادن خلأهای حقوقی برای کاربست رهیافت دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست می‌باشد. در پایان نیز راهکارهایی برای تقویت ابزارهای حقوقی و سیاسی موجود پیشنهاد گردیده است.

^۱ دانش‌آموخته حقوق بین‌الملل و دکتری حقوق محیط‌زیست، دانشگاه علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: sobhantayebi@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

^۲ استادیار گروه حقوق محیط‌زیست واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: ahashemy@yahoo.com

کلید واژه‌ها

دیپلماسی و حقوق بین الملل محیط زیست، ضمانت‌های مشترک، قواعد آمره، تعهدات بین‌المللی و همکاری‌های بین‌المللی، مقابله با مخاطرات زیست محیطی.

مقدمه

اقدامات و ضمانت‌های مشترک در سطح بین‌المللی براساس قواعد تضمین‌کننده ارزش‌های جهانی و منافع جامعه جهانی پدیدار گشته‌اند، آنچنانکه این قواعد همانا تعهدات بین‌المللی لازم الاجرا^۱ برای کشورها، افراد، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند. منشور سازمان ملل متحد با تدوین ماده ۲(۴) اقتدار نظام مند خود را به جامعه ملل نشان داد و چارچوب سیستم امنیت جمعی را با مرکزیت شورای امنیت و با تاکید بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در فصل هفتم آشکار ساخت. (Price & Zacher, 2004: 117) در این روند سایر قواعد، حافظ منافع و ارزش‌های جهانی همگام با صلح و امنیت بین‌المللی ترویج و گسترش یافت آنچنانکه این قواعد ماهیت عمومی داشته و در طول اصول قواعد جهانی قرار گرفته و جامعه جهانی این قواعد را تحت عنوان قواعد سخت یا قواعد آمره^۲ پذیرفتند. این قواعد که حاکم بر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها در سطح جامعه جهانی بوده، جهت ممانعت تابعان حقوق بین‌الملل از استعمار، قتل عام، تبعیض نژادی، عدم رعایت حقوق بشر، جرائم سازمان یافته، تجارت مواد مخدر، جنایات بین‌المللی و تروریسم می‌باشد. این قواعد به دلیل ناقص بودن عملکرد سازمان ملل متحد از بعد امنیتی تنها برای دولت‌ها کاربرد داشته و تنها جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کاربرد دارد. در این راستا دولت‌ها اقداماتی یکجانبه در جهت منافع جهانی حتی زمانی که منافع آن دولت‌ها مستقیماً نقض نشده باشد انجام می‌دهند. (Rosenne, 2004: 287) این عملکرد دولت‌ها بزرگ پایه مشترک و از جانب جامعه جهانی تحت نظارت سازمان ملل و ورای سیستم منشور ملل متحد انجام می‌پذیرد. توسعه این روش باعث ایجاد ضمانت‌های مشترک بین‌المللی و سازوکار ترکیبی در جهت اجرای قواعد آمره در سطح بین‌المللی می‌شوند. این توسعه در بر گیرنده ارزش‌های بنیادی جهانی بوده که با حمایت قانون توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مشترکاً انجام می‌پذیرد. در واقع سیستم منشور، دولت‌ها را در چهارچوب خود قرار می‌دهد و عملکرد دولت‌ها را بررسی می‌کند و احیاناً مجازات‌هایی را در

¹ Erga omnes

² Jus cogens

خصوص عملکرد منفی در نظر می‌گیرد. اما این مدیریت مشترک جامعه جهانی در جهت حمایت از منافع مشترک است که باعث توسعه قواعد متعارف و حمایت از ارزش‌های بنیادی در چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی با یک سیستم ضمانتی می‌گردد. (Allott, 2005: 197) این چارچوب نیز در فرآیند توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اثر گذار بوده آنچنانکه مجموعه قواعد بین‌المللی زیست‌محیطی بر تعهدات مشترک بین المللی تحت تدابیر قواعد سخت و قواعد نرم تاکید داشته است.

این روند تکاملی، همانا سرمنشاء سیستم ترکیبی ضمانت‌های مشترک^۱ است که همگام با حرکت جامعه جهانی بر علیه تحرکات غیرقانونی نظیر تروریسم در عرصه بین‌المللی انجام می‌پذیرد. این تحرکات تا جایی گام‌های نابهنجار خود را بر می‌دارد که تروریسم زیست‌محیطی رخ می‌دهد. (پورهایمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۸)

۱- ضمانت‌های مشترک

سیستم ترکیبی ضمانت‌های مشترک وظیفه‌ای دوگانه دارد: یک وجه این موضوع جنبه تنبیهی است که در جهت تضمین منافع جهانی به وسیله مجازات نقض‌کنندگان منافع عمومی و افراد مسئول در رابطه با اقدامات نادرست بین‌المللی مطابق فصل ۲ و ۸ منشور بوده و وجه دیگر جنبه قیمومتی است که اقدامات سیاست‌گزارانه جهت حفظ این منافع مطابق با فصل ۶ منشور می‌باشد. اقدامات یک طرفه دولت‌ها جهت بکارگیری مجازات از جانب عموم در جهت حفظ منافع عمومی و همچنین فعالیت موازی برخی سازمان‌های بین‌المللی خارج از چارچوب سازمان ملل متحد نشان دهنده دامنه مجازات‌ها و عملکرد در جهت منافع عمومی بوده و به نظر می‌رسد این همان تقویت جنبه تنبیهی ضمانت مشترک در جهت منافع واحد جهانی می‌باشد. (Capaldo, 2008: 221)

این اقدامات پیش رو همانند اقدامات در نظر گرفته شده در ماده ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد به عنوان یک پاسخ به دولت‌های ناقض شدید قواعد آمره بین‌المللی^۲ هستند. اقدامات تنبیهی در چارچوب سیستم ضمانت‌های مشترک که بر امنیت تاکید دارد شامل مجازات‌های اقتصادی است که این مقوله نیازمند همکاری دولت‌ها، سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی است. این مجازات‌ها بایستی بر افراد، گروه‌ها و جریان‌های مسئول نقض شدید

¹ Collective guarantees

² Jus cogens

تعهدات، هنجارهای بین‌المللی و اصول حقوق بین‌الملل عمومی تحمیل گردد (Bassiouni, 2006: 178).

ضمانت قیومتی از منافع و ارزش‌های بنیادین مشترک بدون توجه به اقدامات تنبیهی انجام شده بر علیه افراد یا گروه‌های مسئول در برابر نقض قواعد بین‌المللی دفاع می‌کند. این جنبه از ضمانت با گسترش توانائی یا صلاحیت قانونی دولت‌های عامل (به‌عنوان نماینده جامعه بین‌المللی) در جهت حفاظت از منافع جهانی و منافع عمومی به دست می‌آید. دولت‌های عامل با داشتن قدرت قضائی، اداری و قدرت عمومی و اجباری گسترده‌تر از قدرت اعطائی مرسوم به قدرت دولت‌ها در قلمرو خود اقدام می‌کنند. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت یک نگاه ویژه به مسئله حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی است. این عنوان شاید راهبرد مناسبی برای سر و سامان دادن به رخدادهای محیط زیست بین‌المللی باشد اما نبایستی به آسانی از کنار آن گذشت، چرا که می‌بایست به این مسئله توجه نمود که کشورهای جهان اول به دنبال قیومت زیست محیطی بین‌المللی هستند و بدینوسیله به دنبال تضعیف نقش یونپ می‌باشند و در واقع این دسته از کشورها می‌خواهند اثبات کنند که کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در حفاظت از محیط‌زیست خود تعلل می‌کنند و یا توانائی حفاظت را ندارند. موضوع مطرح شده به صورت پنهان در حال شکل گرفتن است و این در حالی است که خود این کشورهای مدعی، ناقض مقررات زیست محیطی بوده‌اند. شایان ذکر است که آنها در چارچوب این ادعا می‌خواهند شورای امنیت را دارای صلاحیت در خصوص مسائل زیست محیطی بدانند و این مسئله را تا جائی پیش ببرند که اهداف خود را پوشش دهند، اما به نظر می‌رسد در تقابل با این اقدامات بایستی نقش یونپ را بیش از پیش پر رنگ ساخت و رخدادهای زیست‌محیطی را کنترل کرد. نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد اینکه می‌توان مجرمان زیست محیطی را در عرصه بین‌المللی مورد تعقیب قرار داد. این مسئله از آن نقطه نظر اهمیت پیدا می‌کند که مجرمان زیست محیطی، همانا مجرمان علیه بشریت بوده و صلح و امنیت بین‌المللی را خدشه‌دار می‌سازند.

البته به کارگیری چنین قدرتی از جانب جامعه بین‌المللی تابع کنترل قانونی است که با این وصف با توجه به صلاحیت جهانی و اصل قضاوت جهانی به دولت‌ها اجازه می‌دهد که اقداماتی بر علیه مرتکبین جرائم ضد بشری^۱ انجام گردد. به نظر می‌رسد اصل جهان‌شمولی صلاحیت

^۱ Criminal juris gentium

کیفری باعث می‌شود که جرائم برضد بشریت، صرفنظر از مکان ارتکاب و مرتکبین به سیستم ضمانت مشترک مرتبط شود. (Ntoubandi, 2007: 213) در این راستا اقدام به مبارزه گسترده با جرائم بین‌المللی توسط دولت‌های انجام می‌پذیرد که این قدرت را ورای محدودیت‌های تعیین شده توسط حقوق بین‌الملل برکشتی‌ها یا هواپیماهای پرواز کننده با پرچم کشور دیگر یا در قلمرو دولت دیگر جهت پایان دادن به اقدامات خرابکارانه و تروریستی و مسئول نشان دادن افراد تحت قواعد بین‌المللی به کار می‌گیرند.^۱ در این راستا تمرکز بر شیوه سرکوب اقدامات خرابکارانه بین‌المللی، منعکس کننده دیدگاه دوگانه ضمانت‌های جمعی با توجه به قدرت‌های عمومی^۲ به کار گرفته شده توسط دولت‌ها در نبرد با تروریسم در جهت منافع بین‌المللی است. هر چند برای مقابله با تروریسم بایستی توجه ویژه‌ای به این حقیقت داشت که تحرکات ممنوع تروریستی انجام شده توسط افراد یا گروه‌های سازمان یافته برای دستیابی به اهداف مشخص، بدون حمایت دولت‌ها اساساً حمله به ارزش‌ها و منافع جامعه بین‌المللی است، حتی اگر این حملات مستلزم نقض حقوق یک یا چند دولت باشد. بنابراین به نظر می‌رسد، منافع جامعه در سرکوبی پدیده تروریسم، می‌تواند به عنوان یک چارچوب در جهت حفظ جامع‌تر صلح و امنیت بین‌المللی به دلیل فراوانی و تشدید اقدامات تروریستی در نظر گرفته شود. (Capaldo, 2008: 224)

در این راستا بایستی به چند نکته مهم توجه ویژه داشت: ماده ۲۲ کنوانسیون چهارم لاهه در رابطه با قوانین و عرف‌های جنگ زمینی (۱۹۰۷) اشعار می‌دارد: "حق طرفین متخاصم در اتخاذ روش‌های آسیب‌رسانی به دشمن نامحدود نیست". ماده مذکور هرچند به صراحت حفاظت از محیط‌زیست را در شرایط جنگ مد نظر قرار نداده ولی به طور کلی با نامحدود دانستن اقدامات طرفین متخاصم، می‌توان آن را به نوعی در راستای حفاظت از محیط‌زیست دانست. (طیبی، آزادبخت، ۱۳۹۴: ۱۵۷)

یکی نقض شدید قواعد بشر دوستانه بین‌المللی که مسئولیت بین‌المللی را برمی‌انگیزد. کنوانسیون چهارم ژنو نقض فاحش مقررات بشردوستانه را مجرمانه قلمداد کرده و دولت‌ها را مکلف نموده که این قواعد را در قوانین ملی خود اعمال و مجرمان را به مجازات برسانند. (طیبی، ۱۳۸۸: ۶۴)

^۱ این شیوه بین‌المللی می‌تواند در مورد جلوگیری و کاهش آلودگی در مقیاس وسیع دریا و هوا کاربرد داشته باشد.
^۲ به کاربردن واژه قدرت عمومی به دلیل تحرکات خارج از چارچوب نظام بین‌الملل به واسطه محدودیت‌های موجود در رابطه با حقوق دولت‌ها بوده که توسط اهداف بالاتر جامعه جهانی توجیه می‌شود.

در قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر کرامت انسانی تأکید گردیده آن چنان که ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو به آن اذعان دارد، چراکه در طول جنگ ترورهای غیرقانونی بسیاری اتفاق می‌افتد و تروریسم در نوع خود فعالیت بی‌حد و حصری دارد که اینها همه ناشی از فقدان امنیت است. (طیبه، ۱۳۹۰: ۲۸)

در پروتکل اول الحاقی ژنو در بند ۳ ماده ۳۵ بیان می‌دارد: "استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی که هدف از آن وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و دراز مدت بر محیط‌زیست طبیعی باشد یا احتمال بروز چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است." در همین راستا در بند ۱ ماده ۵۵ تأکید می‌شود: "در هنگام جنگ باید مراقبت شود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، دراز مدت و شدید حفاظت به عمل آید." همچنین در بند ۲ ماده ۵۵ مطرح می‌گردد: "حمله به محیط زیست طبیعی به عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع است." بنابراین کنوانسیون ۱۹۴۹ و پروتکل‌های ۱۹۷۷ ژنو از جمله قواعد لازم‌الرعایه‌ای هستند که برخاسته از واقعیات تلخ حادث شده در جامعه بین‌المللی است و تخطی از آن جایز نیست. (طیبه، ۱۳۸۶: ۶۸)

نکته دیگر توجه به حقوق بشردر جنگ برضد تروریسم است. تروریسم به عنوان یک جرم ضد بشری تلقی شده آنچنانکه بسیاری از اقدامات تروریستی منجر به ارتکاب بعضی جرایم خاص می‌شوند که بر حسب ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایت ضد بشری به شمار می‌آیند. مانند: قتل، زندانی کردن یا محرومیت شدید از آزادی جمعی در نقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل. بنابراین جرم‌انگاری تروریسم از طریق درج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند تا حدودی از گسترش تروریسم ممانعت به عمل آورد، هرچند تحقق این امر در پرتو رعایت قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل و همکاری‌های قاطع بین‌المللی در مواجهه با تروریسم میسر است. (نماین، ۱۳۹۰: ۷۱) البته در مسیر راهبرد جهانی مبارزه با تروریسم نایبستی از مسئله تروریسم هسته‌ای غافل شد که هرگونه تحرکات نامشروع در این زمینه به منزله نقض فاحش حقوق بشر است. (نماین، ۱۳۸۸: ۱۴۵ و نماین، ۱۳۸۹: ۷۹۷) از نقطه نظر زیست محیطی اهداف هسته‌ای تروریست‌ها به صورت وسیع پیامد زیادی ندارند اما در ابعاد کوچک یک بحران تلقی می‌گردد و این ناشی از تأثیری است که هسته‌ای شدن بر روی محیط‌زیست دارد. این در حالی است که عوامل موثر مقابله‌کننده‌ای وجود دارد که یک اقدام تروریسم هسته‌ای را غیر ممکن سازند. (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۲)

۲- اقدامات نظامی دولت‌ها در نبرد با تروریسم

اقدامات دولت‌ها در نبرد با تروریسم منعکس کننده حمایت واقعی از منافع عمومی و جهانی و نقش حقوق بین‌الملل در سرکوب تروریسم و گسترش نظریه ضمانت‌های مشترک و امنیت جمعی است. این اقدامات بیشتر توسط دولت‌های معین در قلمرو سایر دولت‌ها جهت آزادی شهروندان خود یا سایر افراد گروگان انجام پذیرفته است. حمله نیروهای امنیتی آلمان در فرودگاه موگادیشو^۱ در سال ۱۹۷۷ و حمله نیروهای امنیتی مصر در فرودگاه مالتا^۲ در سال ۱۹۸۵ به تروریست‌ها و ربایندگان هواپیما از جمله این اقدامات است.

در اقداماتی دیگر هرچند اقدام علیه تروریسم بین‌المللی محسوب شده و یا براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد در خصوص حق دفاع مشروع عملی انجام پذیرفته اما این اقدامات بطور کامل مورد تأیید مجامع بین‌المللی قرار نگرفت. در این راستا می‌توان به مواردی چون حمله مصر به قبرس^۳ و حمله نیروهای ویژه آمریکا به ایران^۴ که در صحرای طبس گرفتار شدند اشاره کرد. جنبه دیگر این اقدامات حملات نظامی به قلمرو سایر دولت‌ها که باعث مرگ تروریست‌ها و شهروندان می‌شود که بعضاً این مسئله موجب عکس‌العمل دولت آسیب‌دیده و مجامع بین‌المللی نشده است. مثلاً حمله هوایی آمریکا به روستای دامادولا (پاکستان) در سال ۲۰۰۶

^۱ حمله نیروهای امنیتی آلمان در فرودگاه موگادیشو، سومالی که در آن یک هواپیما متعلق به خطوط هواپیمایی لوفت هانزا که توسط تروریست‌های عرب در ۱۷ اکتبر ۱۹۷۷ ربوده شده بود با آزاد شدن کلیه گروگان‌ها خاتمه یافت. (capaldo, 2008: 226)

^۲ در ۲۳ نوامبر ۱۹۸۵ یک گروه تروریستی هواپیمای متعلق به خطوط هوایی مصر را ربوده که نیروهای امنیتی مصر با ربایندگان درگیر و آنه را کشتند و این اقدام با رضایت دولت مالتا انجام پذیرفت. (capaldo, 2008: 226)

^۳ در ۱۸ فوریه ۱۹۷۸ دو عرب به هتل هیلتون در نیکوزیا که مجمع سازمان همبستگی با مردم در آن برگزار می‌شد حمله کرده و رئیس جمهور مصر یوسف الثانی که رابطه نزدیکی با انور سادات داشت را ترور کردند هرچند بسیاری از جنبه‌های این واقعه نامشخص باقی ماند و هیچگاه مشخص نشد که آیا این اتفاق با هماهنگی مقامات قبرسی انجام شده یا خیر؟ به هر حال مصر در این اقدام به حق مقابله با تروریسم استناد کرد.

^۴ در آوریل ۱۹۸۰ نیروهای نظامی آمریکا جهت نجات دیپلمات‌های آمریکایی که پس از اشغال لانه جاسوسی در اختیار دولت ایران بود تلاش‌هایی را انجام دادند و آمریکا مستند به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل با عنوان حق دفاع از خود (دفاع مشروع) با هواپیما وارد خاک ایران شده که در صحرای طبس گرفتار آمدند. در این خصوص هیچ عکس‌العملی از سوی سایر دولت‌ها و شورای امنیت که خواهان آزادی گروگان‌ها بودند صورت نپذیرفت.

که منجر به کشته شدن تروریست‌های القاعده شد.^۱

البته حملات نظامی به سرزمین دولت دیگر به بهانه مبارزه با تروریسم کماکان ادامه دارد اما این حملات به نظر می‌رسد نتیجه بخش نبوده و عاملان حمله هدفی غیر از مبارزه با تروریسم را دنبال می‌کنند و به موجب این اقدامات ما شاهد نقض مستمر قواعد آمره بین‌المللی بوده‌ایم.^۲ (طیبی، ۱۳۸۷: ۱۳۰) در این راستا دولت‌ها در مقابله با تروریسم موظف به رعایت قواعد حفاظت از محیط زیست بوده و این اقدامات نایستی امنیت طبیعی زیست کره را مورد خدشه قرار دهد. تکامل قدرت تخریب سلاح‌های متعارف و توسعه تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی، شواهد مشخص و زمینه نظری مستحکمی برای این استدلال فراهم کرده است که، محیط‌زیست نسبت به عوارض تجاوزات بشر آسیب‌پذیر است و واقعاً ممکن است تا بدان حد صدمه ببیند که دیگر قادر نباشد حیات موجوداتی که از اثرات بلاواسطه و مستقیم سلاح‌ها جان به در برده‌اند را، دوام بخشد. نیروهای نظامی در گوشه و کنار دنیا این قابلیت تکنولوژیکی تخریب محیط زیست را وارد استراتژی‌های جنگی خود کرده‌اند و فنون تخریب عمومی محیط‌زیست را جهت تضعیف ظرفیت‌های دفاعی و تعرضی دشمن به خدمت گرفته‌اند. (طیبی، آزادبخت، ۱۳۹۴: ۱۴۴) در همین راستا قسمت پ (۴) از بند (۲) ماده ۸ از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی روم در توصیف شخص مجرم بیان می‌دارد: "انجام عمدی حمله با علم به اینکه این حمله باعث تلفات جانی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اموال غیر نظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است ...". این روند نشانگر توسعه نظریه قرار گرفتن تروریسم و جرائم مربوطه در لیست جرایم خطرناک اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است (طیبی، آزادبخت، ۱۳۹۴: ۱۵۹) و تصمیم سازان بین‌المللی در فرآیند دیپلماسی در عرصه بین‌المللی تلاش خواهند کرد تا این مساله میسر گردد. از این رو با وجود موضع‌گیری اساسنامه دیوان نسبت به جرم تروریسم، طبیعتاً جرایم محیطی نیز

^۱ جامعه بین‌المللی کشته شدن رهبر نهضت آزادی بخش فلسطین، ابوجهاد را در ۱۶ آوریل ۱۹۸۸ محکوم کرد و تصمیم شورای امنیت سازمان ملل که مورد وتوی آمریکا قرار نگرفت، ادعای اسرائیل مبنی بر آنکه اسرائیل حق مبارزه با رهبران تروریست را در هر کجا و هر زمان دارد را رد کرد. هرچند که رژیم صهیونیستی خود کانون توجه بین‌المللی بوده چرا که موجب گسترش تروریسم شده است.

^۲ از جمله این موارد می‌توان به حمله آمریکا و نیروهای ائتلاف به عراق و حمله آمریکا به افغانستان و پاکستان اشاره کرد.

بسیار پر اهمیت جلوه می‌کند و هر گونه تخطی در امر حفاظت محیط زیست مسئولیت بین‌المللی را در پی خواهد داشت.

شایان ذکر است که در اینجا بایستی بین اقدامات غیرنظامی شامل فعالیت‌های قضائی، فراملی و اقدامات نظامی که هر دو هدف تنبیهی دارند تفاوت قائل شد. نکته دیگری که در اینجا بایستی به آن اشاره شود ماده ۲(۴) منشور ملل متحد در خصوص ممنوعیت استفاده از زور است. (احمدپور، ۱۳۸۰: ۳۹) تا سال ۱۹۴۵ توسل جستن یک جانبه به زور ممنوعیت عرفی نداشت، اما پس از آن به واسطه منشور ملل متحد این مهم در یک چارچوب قاعده‌مند قرار گرفت. همه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور خودداری کرده و این ممنوعیت تنها به استفاده از زور محدود نشده بلکه به تهدید صرف نیز تعمیم یافته است. امروزه ماده ۲(۴) اساس هر بحثی در مورد قانونی بودن استفاده از زور توسط هر دولتی می‌باشد و اهمیته آن وقت دوچندان جلوه می‌نماید که دانشمندان حقوق بین‌الملل آن را اساس و قلب منشور دانسته‌اند. (Jakson, 2003: 8)

امروزه این روند نمی‌تواند در حقوق بین‌الملل به صرف این ماده تفسیر گردد و شاید بتوان ماده ۲(۴) را شرطی بر مواد ۳۹-۵۱ و ۵۳ منشور ملل متحد دانست. در این راستا شورای امنیت صلاحیت آن را دارد که قطع نامه‌هایی را در رابطه با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی صادر کند و این قدرت را به دولت‌ها می‌دهد که هرگونه تجاوز و یا اقدامات تروریستی را با تحریم اجباری و یا قوای نظامی پاسخ دهد. (Simma, 1994: 407-418)

اما علی‌رغم تائید و توییح معمول تروریسم بین‌المللی و تهدیدی که نسبت به جامعه بین‌المللی وجود دارد، استفاده از نیروهای نظامی در امتداد مرزهای بین‌المللی برای مقابله با تروریسم لزوماً بر طبق قواعد حقوق بین‌الملل مجاز نیست. چراکه مبارزه با تروریسم و جنگ کلاسیک با هم متفاوت بوده و نبایستی هدف و منطق این دو مقوله را یکسان تلقی کنیم. (jakson, 2003: 13)

بنابراین هر حرکتی که حق دولت‌ها را در حمله به تشکیلات تروریستی، مستقر در دیگر دولت‌ها با نیروی نظامی تصدیق کند باید ضرورتاً مطابق با ماده ۲(۴) منشور ملل متحد باشد و به نظر می‌رسد این ماده زمانی می‌تواند مستند قرار گیرد که درجه حمایت توسط دولت میزبان به حدی باشد که تروریست‌ها به صورت موثر از طریق آنچه وسائل نیروهای نظامی آن دولت داشته استفاده کرده باشند. استفاده از زور تحت شرایطی که تروریست‌ها بصورت غیر مستقیم

حمایت می‌شود بسته به میزان نقض ماده ۲(۴) منشور دارد.^۱ (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۶۹)

۳- دیپلماسی جهانی محیط زیست ابزاری موثر برای مقابله

تعهدات مشترک بین‌المللی در سایه پیروی و تعهد به آیین اجرای نتایج تصمیمات ناشی از نشست‌ها و اجلاس‌های جهانی و بین‌المللی در پرتو کنوانسیون، پروتکل، موافقتنامه و دیگر اسناد، میسر می‌گردد و شکل جدی به خود می‌گیرد. وجود قواعد نرم و قواعد سخت یا همان قواعد آمره خود نشان از وجود دیپلماسی موفق بوده که این مهم در سایر معاهدات زیست‌محیطی جلوه خاصی داشته است. در واقع، دیپلماسی محیط زیست یک چارچوب و یا ساز کار موثری در جهت تحقق اهداف بین‌المللی در خصوص حفاظت از محیط زیست است. امروزه حفاظت از محیط‌زیست چه در سطح ملی و منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی یک اقدام واجب در تمام سطوح و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در این راستا حفظ محیط زیست کره در پرتو حفظ امنیت زیستی نمود پیدا می‌کند. با برشمردن ابعاد زیستی در جهان پیرامون، بایستی به نقش مذاکرات و گفت‌وگوهای صلح‌آمیز در نیل بسوی حفاظت از محیط زیست جهانی اشاره نمود. این چارچوب مذاکراتی و گفت‌وگویی در واقع فرآیند شکل‌گیری تعاملات چشم‌گیر در سطح بین‌المللی و در بستر روابط دیپلماتیک صورت می‌پذیرد که از آن به دیپلماسی محیط زیست یاد می‌شود. (طیعی، ۱۳۹۲: ۱) وجود تعهدات بین‌المللی و درجه الزام و پایبندی به چارچوب‌های قانونی یکی از پراهمیت‌ترین مکانیسم‌های چارچوب یافته در فرآیند دیپلماسی محیط‌زیست است. نگاهی دوسویه ما را به این سمت هدایت می‌کند که همین تعاملات و پایبندی به تعهدات است که چارچوب دیپلماسی محیط‌زیست را نظم و نسق می‌بخشد. به نظر می‌رسد دیپلماسی محیط زیست کم‌نظیرترین فرآیند حفاظت از محیط زیست با امعان نظر به ابعاد سیاسی، حقوقی و امنیتی است. (طیعی، ۱۳۹۲: ۲) در این راستا دیپلماسی محیط زیست متأثر از دیپلماسی بین‌المللی و جهانی است و این روند به طرز منش و روش‌های حکمرانی نیز بستگی دارد. در این راستا جهت تحقق دیپلماسی

^۱ در اینجا می‌توان به قطع‌نامه ۷۴۸ سال ۱۹۹۲ در خصوص امتناع لیبی از استرداد دوتبعه خود در قضیه لاکربی (بمب‌گذاری در پرواز ۱۰۳ پان آمریکا) که بیان داشت: هر دولتی وظیفه دارد تا از تشکیل، تحریک، دستیاری یا شرکت در عملیات تروریستی دولت دیگر یا فعالیت‌هایی در هدایت حاکمیت در خصوص ارتکاب چنین عملیاتی خودداری کند.

محیط‌زیست توجه به چارچوب‌های امنیتی و زیستی مطمح نظر قرار می‌گیرد. این روند تبیین‌کننده شاخص‌های پیوندگرا در دو محور دیپلماسی محیط زیست و دیپلماسی دفاعی است. (طیبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶) این پیوند مشترک یکی از موثرترین ابزارها در بستر قواعد موثر در جهت مقابله با تروریسم زیست محیطی است. این مهم در اثر همکاری و همگرایی بین‌المللی صورت می‌پذیرد.

به این ترتیب جامعه بین‌الملل هر روز بیشتر از قبل به نیاز به حفاظت از محیط زیست و حقوق بین‌الملل که مطابق با آن توسعه یافته باشد پی برده‌اند. در این راستا سیر دیپلماسی زیست محیطی موید این دیدگاه است. در ابتدا حقوق بین‌الملل زیست محیطی شکل معاهدات موضوعی را به خود گرفت. یکی از اولین معاهدات برای پرداختن به حفاظت از محیط‌زیست معاهده سال ۱۹۵۹ قطب جنوب بود. این معاهده دفع زائدات و انفجار هسته‌ای در قطب جنوب را ممنوع کرد و این قاره را مکانی برای تحقیقات علمی نامگذاری کرده که فقط برای اهداف صلح‌آمیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین صورت کنوانسیون سال ۱۹۷۲ در خصوص پیشگیری از آلودگی دریا در اثر دفع زباله و مواد دیگر با کنترل مقدار و ویژگی زباله‌هایی را که در دریا دفن می‌شوند به طور اختصاصی از اقیانوس‌ها حفاظت می‌کند. اما رویکرد بین‌المللی به حفاظت از محیط‌زیست با کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط‌زیست بشر که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد شروع به تغییر کرد. کنفرانس فوق که به طور مرسوم به کنفرانس استکهلم معروف است برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد را برای تسریع اقدام زیست محیطی دایر کرد. این کنفرانس بیانیه‌ای را هم منتشر کرد که اصول غیر الزامی متمرکز بر محیط زیست را بیان می‌کند. اصل ۱ بیانیه مشخص کرده که انسان‌ها از حق اساسی آزادی، تساوی و شرایط مناسب زندگی در محیطی با کیفیت برخوردارند که زندگی با رفاه و شأن انسانی را فراهم سازد، و آنها مسئولیت خطیر حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل آینده را بر عهده دارند. (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۸) اگرچه این روند دیپلماسی زیست محیطی در پرتو معاهدات بین‌المللی تا به حال ادامه داشته که آخرین بروز و ظهور آن در اجلاس جهانی ریو+۲۰ در سال ۲۰۱۲ بوده است. در همین راستا در انتظار نشست جهانی سران کشورها در سال ۲۰۱۵ هستیم تا شاهد تصمیمات جدی در خصوص حفاظت از زیست کره باشیم. با این توصیف دیپلماسی همواره راهگشای بسیاری از مشکلات بین‌المللی از جمله مخاطرات محیط زیستی است. هرچند این روند با امعان نظر به همکاری‌های بین‌المللی سازکارهای مشخصی می‌طلبد تا بروز و ظهور موثری داشته باشد. تعالی این روند بسته به

الویت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص همکاری‌های دو یا چند جانبه است. بنابراین مهار تروریسم راهی جز همکاری‌های موثر بین‌المللی و عمل به تعهدات بین‌المللی و قواعد آمره ندارد و این که دیپلماسی سبز و دیپلماسی زیست‌محیطی تحقق یابد، همه در سایه تحقق همکاری‌های موثر در سطوح منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی است. به هر حال تروریسم زیست‌محیطی یک تهدید خزنده برای زیست بوم محسوب می‌گردد که هر آن قابلیت تحرکات مخرب دارد. بنابراین مساله محیط زیست یک مساله فرامرزی است و توجه ویژه شمال و جنوب را می‌طلبد و این مساله در چارچوب فرم مفیدی از همگرایی و همبستگی بین‌المللی میسر می‌گردد. (طیبه، اسماعیلی فرد، ۱۳۹۴: ۱۶)

۴- مقابله با اکوتروریسم هدفی جهانی

به نظر می‌رسد جنایات تروریستی تا به کنون آنقدر وسعت داشته که این جرم را متناسب با چارچوب صلاحیت جهانی کرده است. فجیع بودن این جرم و عمق فاجعه به اندازه‌ای است که اذهان را خدشه‌دار می‌کند و اینجاست که هر دولتی به خود اجازه می‌دهد که نسبت به آن موضع بگیرد. در این راستا مفهوم صلاحیت جهانی^۱ همراه با قواعد آمره^۲ و تعهدات مشترک بین‌المللی^۳ کامل می‌شود هرچند قرار گرفتن یک تخلف در حوزه صلاحیت جهانی لزوماً به خاطر مرتبه شرارت نبوده، بلکه به خاطر تخطی از قاعده آمره وزیر سوال بردن حقوق مردم و تعهدات بین‌المللی است. (Adiss, 2009: 135)

در باب تروریسم می‌توان مبنای الزام به پذیرش و اجرای صلاحیت جهانی را مجموعه کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مبارزه علیه تروریسم قرار داد. به عنوان مثال کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ ژنو، کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی ۱۹۷۷، کنوانسیون سرکوب حمایت مالی از تروریسم ۱۹۹۹ و کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵.

در این راستا ترتیبات اتخاذ شده در سیاق معاهدات بین‌المللی زیست محیطی در خصوص حفاظت از محیط زیست و مخاطرات تروریسم زیست محیطی مطمح نظر قرار دارد. در این گستره نایستی تروریسم زیست محیطی را از اذهان دور نگاه داشت. با وجود پیشرفت علم و

¹ universal jurisdiction

² jus cogens

³ erga omnes

تکنولوژی، سوءاستفاده‌های مجرمانه روز به روز بیشتر می‌شود. یکی از این سوء استفاده‌ها استفاده از پرتوهای اشعه‌ای است که در اختیار تروریسم سازمان یافته قرار داشته و تروریست‌ها با کمک ابزارهای حاکمیتی اقدامات خود را انجام می‌دهند. این مهم از جمله جرایم زیست محیطی است که شهروندان زیست کره را با مخاطرات جدی روبرو می‌سازد. به هر ترتیب درراه مقابله با این جرم قوانین نقش مهمی دارند و بایستی در یک چارچوب قانونی موثر برای مبارزه با گونه‌های تروریسم قدم‌های اساسی برداشت. (Brown, 2008: 235)

در این خصوص نبایستی از توافق‌نامه‌ها و همکاری‌های بین‌المللی بخصوص زیست محیطی غافل ماند که این مهم از جمله راهکارهای مقابله با تروریسم سبز است و ریشه در "تکلیف دولت در صیانت از جان، آزادی و امنیت کلیه اشخاص حاضر در سرزمین" دارد. (نماینان، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

با این وصف اهداف نهائی مبارزه با تروریسم زیست محیطی را می‌توان اینگونه برشمرد که تروریسم زیست محیطی:

- ۱- تهدیدی بر علیه صلح و تضعیف کننده امنیت بین‌المللی است.
- ۲- تهدیدی بر امنیت دسته جمعی است. (کوشا، نمایان، ۱۳۸۷: ۲۳۷)
- ۳- تهدیدی بر حقوق بشر، ساقط کننده بستر گفتمانی حقوق بشری و عامل تشدید کننده جنایات بین‌المللی است.
- ۴- تهدیدی بر حقوق بشردوستانه و نقض آشکار قواعد آمره است.
- ۵- تهدیدی برای بنیادهای اساسی جامعه ملل و مختل کننده نظم عمومی است.
- ۶- تهدیدی جدی برای نقش تابعان حقوق بین‌الملل است.
- ۷- ناقض مستقیم اسناد بین‌المللی از جمله توافق نامه‌ها، معاهدات، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی بر علیه خود است.
- ۸- تهدیدی بر تعهدات مشترک بین‌المللی است.
- ۹- تهدیدی بر توسعه پایدار و روند بین‌المللی محیط زیست، حق بر محیط زیست و همبستگی ملت‌ها است.
- ۱۰- تهدیدی بر استفاده غیرقانونی از منابع مالی جهانی است. (گلدوزیان و نمایان، ۱۳۸۹: ۱۸۲)
- ۱۱- تهدیدی بر استفاده غیرقانونی از تسلیحات نظامی، تسلیحات هسته‌ای و دستیابی به فن‌آوری‌های هسته‌ای است.

- ۱۲- تهدیدی علیه اشخاص در جامعه بین‌المللی و تضعیف‌کننده ابعاد جهانی سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته و نهادهای بین‌المللی زیست محیطی است.
- ۱۳- تهدیدی بر بنیادهای امنیت عمومی است. (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۹۰)
- ۱۴- تهدیدی بر حقوق اساسی بشر از جمله حق حیات و حق بر محیط زیست سالم است.
- ۱۵- تهدیدی برحق تعیین سرنوشت ملت‌ها و تمامیت ارضی کشورها است.
- ۱۶- تهدید علیه حقوق بین‌الملل توسعه پایدار است. از این رو اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که پایداری توسعه و توسعه پایدار در مسیر توسعه و حفاظت بی‌چون و چرای محیط زیست و منابع طبیعی در جهت حفظ میراث مشترک بشری است. در راستای درون‌سازی یا جهانی شدن، توسعه جایگاه ویژه‌ای داشته و این ویژگی از آنجایی پراهمیت جلوه می‌کند که گزینه پایداری را با خود به همراه داشته باشد. اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که توسعه بدون پایداری فرآیند جهانی شدن را دچار خلل ساخته و جهان را به ورطه بحران می‌کشانند. به زبان ساده‌تر می‌گوییم اگر صرف توسعه باشد و پایداری وجود نداشته باشد، زیست بوم و زیست کره نابود می‌گردد. این یک پیام تبلیغاتی نیست و در حال حاضر نیز جهان با وضعیت خوبی به لحاظ زیست محیطی روبرو نبوده و بحران‌ها و مخاطرات زیست محیطی از جمله تغییرات آب و هوایی گریبانگیر جهان امروز است. بنابراین محیط زیست پایدار و جهانی شدن در راستای هم هستند و شایسته‌تر آن است که در راه جهان‌اندیشی، زیست‌اندیش باشیم. بنابراین به نظر می‌رسد مبارزه با تروریسم زیست محیطی بایستی بیش از پیش مستحکم‌تر در چارچوب قواعد بین‌المللی و همگام با همکاری‌های مستمر در سطح جامعه ملل صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

نظام جهانی هر روز در سیر تطور خود دچار تحول است و این تحول و گسترده‌نگی نیازمند تعامل بشریت هست و این تعامل همانا روابط بین‌المللی است که بر پایه دیپلماسی شکل اساسی به خود می‌گیرد. در این فرآیند دیپلماسی هدفمند می‌تواند ضامن بقای جامعه انسانی و حیات بشری با حفظ منافع مشترک با امعان نظر به پایبندی به تعهدات بین‌المللی و رعایت قواعد آمره باشد. با بررسی اهداف و راهکارهای مقابله با تروریسم که تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی در سطوح ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی است، چارچوب صلاحیتی نظام جهانی تحت حاکمیت منشور ملل متحد بصورت مستمر در تلاش است تا این مسئله را به

سرانجامی رهنمون سازد. ساختار نظام بین‌المللی در بردارنده ضمانت‌های مشترک در جهت تنقیح قواعد بین‌المللی و تقبیح تحرکات منفی در جامعه بین‌المللی می‌باشد، هرچند که این چارچوب محدودیت‌هایی را برای تابعان بین‌المللی از جمله دولت‌ها را فراهم ساخته است. اما هدف غائی در این مسیر به دام انداختن تروریست‌ها و توقیف اقدامات تروریستی و پیشگیری از تروریسم است. در این راستا به نظر می‌رسد جرم انگاری اعمال اکوسیستم کشی از اعمال تروریست‌های زیست محیطی بازدارندگی کند اما این کار هم به الزامات عملی شاخص تروریسم یعنی جرم و هم به کارکرد گویای حقوق کیفری خدمت می‌کند. بنابر این، اعمال تروریسم زیست محیطی باید به خاطر آنچه هستند- جرم و جنایت ضد محیط زیست- شناخته شوند. (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۹) در فرآیند بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحرکات جنگجویانه و حرکات رعب‌آور همچون تحرکات تروریستی نتایج وخامت باری را بوجود آورده است. این اقدامات یقیناً سلامت بهداشت، سلامت روان، سلامت محیط زیست و سلامت جامعه بشری را تهدید اساسی می‌کند. در این راستا تعاملات بین‌المللی و اقدامات همه‌جانبه بر علیه پدیده شوم خشونت به خصوص خشونت سبز و افراطی‌گری راهبرد اساسی برای مقابله است. این تعاملات در چارچوب رسمی خود در قالب دیپلماسی محیط زیست شکل جدی به خود می‌گیرد. برآیند این حرکت تداوم همکاری‌های بین‌المللی، ثبات امنیت با امعان نظر به تعهدات مشترک بین‌المللی و حفاظت از محیط‌زیست و حق بشر بر محیط زیست سالم می‌باشد. (طیبی، ملکی اصل، ۱۳۹۴: ۱۰)

آن چنان که تروریسم اقدامی خانمان‌سوز و تحرکی عظیم در جهت خدشه‌دار نمودن اذهان بشری است که بایستی به سمت پایان پیش‌برود و جامعه جهانی بایستی با همکاری‌های بین‌المللی دول و ملل با اتحادی بی‌نظیر در راه اعتلای حقوق جهانی گام‌های مستحکم و ارزشمندی بردارد. (طیبی، باریک‌رو، ۱۳۹۴: ۸)

منابع

- ۱- احمدپور، فتاح (۱۳۸۰)؛ مجموعه قوانین ومقررات بنیادین نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات قدیس.
- ۲- طیبی، سبحان (۱۳۸۶)؛ «نیروهای ائتلاف ونقض حقوق بشردوستانه در اشغال عراق»، فصلنامه پیام قانون، شماره ۳۱.
- ۳- طیبی، سبحان (۱۳۸۷)؛ «حقوق بشردوستانه در اسناد حقوق بین‌الملل با تاکید بر اشغال عراق توسط نیروهای ائتلاف»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات فارس.
- ۴- طیبی، سبحان (۱۳۸۸)؛ «مسئولیت قدرت اشغالگر در مقابل جرائم ارتكابی»، مجله دادگستر، سال ششم، شماره ۳۶.
- ۵- طیبی، سبحان (۱۳۹۰)؛ «حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حمایت از غیرنظامیان با تاکید بر اشغال عراق»، مجله دادگستر، سال هشتم، شماره ۴۵.
- ۶- طیبی، سبحان، سیدعباس پورهاشمی و پیمان نمایان (۱۳۹۴)؛ جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها، فصلنامه علمی پژوهشی علوم تکنولوژی انجمن متخصصان محیط زیست، شماره یک دوره هفدهم، شماره ۶۴.
- ۷- طیبی، سبحان، بی‌تا آزادبخت (۱۳۹۴)؛ حفاظت از محیط‌زیست در پرتو حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ چشم اندازی برای توسعه پایدار، انتشارات مجد.
- ۸- طیبی، سبحان (۱)، (۱۳۹۲)، دیپلماسی محیط زیست، نگرش‌های موجود در مورد حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر، وبلاگ دانشمندان حقوق ایران فردا، به نشانی: <http://ehsantohid.blogfa.com>
- ۹- طیبی، سبحان (۲)، (۱۳۹۲)، دیپلماسی محیط‌زیست؛ فرایند موثر حفاظت از محیط زیست جهانی، وبلاگ دانشمندان حقوق ایران فردا، به نشانی: <http://ehsantohid.blogfa.com>
- ۱۰- طیبی، سبحان، مهناز ضربایی و محبوبه صفایی مهر، (۱۳۹۴)، دیپلماسی محیط زیست؛ بستر تعاملات و تفاهات سازنده زیست کره، ارائه مقاله و سخنرانی کنفرانس بین‌المللی علوم محیط زیست مهندسی و فناوری، اردیبهشت ماه، دانشگاه تهران.
- ۱۱- طیبی، سبحان و مریم اسماعیلی فرد (۱۳۹۴)، کاربست دیپلماسی دفاعی در مسیر پیشبرد دیپلماسی محیط زیستی، فصلنامه پژوهشی دیپلماسی دفاعی، شماره ۷ بهار و تابستان.
- ۱۲- طیبی، سبحان و بهنوش باریک رو (۱۳۹۴)، تروریسم؛ تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و راهکارهای حقوقی تعامل با آن، مجموعه مقالات مقابله با خشونت گرائی مرکز ملی جهانی شدن ریاست جمهوری.
- ۱۳- طیبی، سبحان و پگاه ملکی اصل (۱۳۹۴)، مبارزه با تروریسم در پرتو تدابیر بین‌المللی و راهبرد جهانی، دومین همایش بین‌المللی شهدای ترور.

- ۱۴- عبدالهی، محسن (۱۳۸۸)؛ تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران، انتشارات شهردانش.
- ۱۵- کوشا، جعفر و نامیان، پیمان (۱۳۸۷)؛ «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳.
- ۱۶- گلدوزیان، ایرج و نامیان، پیمان (۱۳۸۹)؛ «راهبرد حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۷.
- ۱۷- نامیان، پیمان (۱۳۸۸)؛ «بررسی دلایل جرم‌انگاری تروریسم در اسناد بین‌المللی»، فصلنامه حقوق و مصلحت، شماره ۴.
- ۱۸- نامیان، پیمان (۱۳۸۹)؛ «چارچوب جهانی نظام حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم هسته‌ای»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۴، شماره ۳.
- ۱۹- نامیان، پیمان (۱۳۹۰)؛ «صلاحیت قضائی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۱.
- 20- Adiss.Aduno (2009). "Imagining the International community: the constitutive pimension of universal jurisdiction". Human rights quarterly.N31.
- 21- Allott.Philip (2005). "Towards the International Rule of La: Essays in Integrated Constitutional Theory. London.Cameron.
- 22- Brown.steven david (2008). "combating international crime the cyber side of crime", Routledge-cavendish.
- 23- Bassiouni.m.cherif (2006). "international criminal justice in the era of globalization:rising expectations"year book of international law and jurisprudence 3.
- 24- Capaldo.giuliana ziccardi (2008). "the pillars of global law". mixed sources.
- 25- Jackson.nymuya maogoto (2003). "war on the enemy: self-defence and state-sponsored terrorism". Melburne journal of international law.vol4.
- 26- Ntoubandi.Faustin Z. (2007). "Amnesty for Crimes against Humanity under Internationallaw.lieden.nijhoff.
- 27- Price. Recharad M. & Zacher. Mark. W. (2004). "The United Nations and Global Security".palgrave.
- 28- Rosenne.Shubtai (2004). "The Perplexities of Modern Internationallaw. leiden. nijhoff.
- 29- Simma. Brano (1994). "The charter of the united nation A commentary".